

## دو فصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: 86227 Article Number: YQ27560 ISSN-P: 2717-1132

### روش های جبران خسارت ناشی از انتقال خون آلوده در حقوق ایران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۲/۱۲)

رضوان ملک آرا

#### چکیده

انتقال خون بخش مهمی از مراقبت های پزشکی پیشرفته است که دارای دو وجه درمانی و بیماری زایی است. چنانچه بطور صحیح از آن استفاده شود نجات بخش خواهد بود در غیر اینصورت احتمال انتقال عفونت های خطرناکی همچون ایدز و هپاتیت و.... وجود خواهد داشت که سبب تحمیل خسارت های بسیار سنگینی شامل موارد گوناگون اجتماعی، روحی، روانی و خسارت معنوی ناشی از صدمات جسمانی و.... بر شخص انتقال گیرنده می شود. با توجه به اهمیت این موضوع قصد داریم به بررسی و شناخت روش های جبران خسارت ناشی از انتقال خون آلوده در حقوق ایران بپردازیم. این پژوهش با موضوع حدود و مبانی مسئولیت مدنی ناشی از انتقال خون آلوده و با استفاده از روشهای توصیفی - تحلیلی به سرانجام رسیده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، رابطه سببیت، انتقال خون آلوده، تعهد ایمنی، جبران خسارت

## بخش اول: کلیات

پس از جمع آمدن ارکان مسئولیت مدنی، یعنی ضرر، فعل زیانبار و رابطه سببیت بین آنها، زیان‌دیده می‌تواند جبران خسارت وارد بر خود را از دادگاه بخواهد. عامل ورود زیان باید نتیجه فعل ناروای خود را تحمل کند و وضع زیان‌دیده را به صورت پیش در آورد.

«جبران خسارات به عنوان یک قاعده در حقوق پذیرفته شده است. چنین اندیشه‌ای در حقوق وجود داشته و می‌توان آن را به صورت اصل ارائه داد... مفهوم اصل فوق این است که تمام خسارات وارده باید جبران شود، چنانچه گویی خسارتی جبران نشده در جامعه نیست. به همین سبب گاه مقنن در جهت رعایت این اصل افرادی را از شمول جبران خسارت وارده از ناحیه دیگران نموده است.»

بنابراین اصل آن است که تمامی خسارات جبران شود، هیچ ضرر تدارک نشده باقی نماند. اما به اطلاق این گفته نیز نباید اعتماد کرد. انصاف و معقولانه بودن جبران دو قید اساسی در جبران خسارت می‌باشند. به دیگر سخن جبران خسارت عبارت است از قرار دادن زیان دیده در وضعیت مشابه و مانند وضعیت قبل از وقوع فعل زیانبار. اما می‌دانیم که جبران پاره‌ای از خسارت‌ها به طور کامل ممکن نیست. چگونه می‌توان از بیمار مبتلا به ویروس ایدز که در سراسیمی مرگ قرار دارد جبران خسارت نمود؟ بنابراین قاضی باید با توجه به نوع ضرر وارده اعم از مالی و معنوی طوری حکم به جبران ضرر کند که زیان‌دیده تا حد امکان و در حالت نزدیک به وضعیت قبل از وقوع فعل زیانبار قرار گیرد. از سوی دیگر جبران ضرر بایستی با توجه به اوضاع و احوال و در نظر گرفتن انصاف صورت پذیرد، لذا جبران باید معقولانه و منصفانه باشد. (یزدانیان، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲)

تنوع رفتار انسانی مانع از احصاء انواع جبران خسارات منصفانه و معقول است. خسارتی منصفانه و معقول است که تکلیف مالایطاق نباشد و به ضرر فرد یا جامعه منتهی نگردد. ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی طرق جبران ضرر را در اختیار دادرسی نهاده است، اما فرض بر این است که قاضی دارای ذوق سلیم و متعارف است و طریقی در جبران بر می‌گزیند که علاوه بر جبران خسارت زیان‌دیده موجب ایجاد ضرر ناروا بر دیگری نباشد. بدیهی است که به تناسب تنوع خسارات، طرق جبران آنها نیز متنوع است به همین جهت در قانون فوق به جبران خسارت معنوی نیز اشاره شده است که برای جبران چنین خساراتی می‌توان علاوه بر

پرداخت مالی به طرق دیگری نیز توسل جست به عنوان مثال در ذیل ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی مقرر شده است: «دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر، علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی، حکم به دفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذر خواهی و درج حکمی در جراید و امثال آن نماید». عبارت «از قبیل» و «امثال آن» حاکی از عدم انحصار جبران در شیوه ای خاص است و دست قاضی را برای جبران هر چه معقول و منصفانه تر خسارت باز می‌گذارد.

همچنین از ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی به روشنی مشخص می‌گردد که روش جبران خسارت وارده بر زیان دیده باید متناسب با ضرری باشد که به زیان وی وارد شده است. به عبارت دیگر باید بین روش جبران و ضرر وارده سنخیت عرفی برقرار باشد در نتیجه، روش جبران هر خسارتی با توجه به متعلق آن، متفاوت خواهد بود. این چهره ای دیگری از منصفانه بودن طریق جبران است که متذکر گردیدیم. در این ماده مقرر شده است: «در موردی که عمل وارد کننده زیانبار موجب خسارت مادی یا معنوی زیان دیده شده باشد دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر، او را به جبران خسارت مزبور محکوم می‌نماید و چنانچه عمل وارد کننده زیان موجب یکی از خسارت مزبور باشد، دادگاه او را به جبران همان نوع خسارتی که وارد نموده، محکوم خواهد نمود». در نتیجه با توجه به انواع خسارت وارده بر فرد مبتلا به بیماری که روش جبران هر کدام جداگانه بررسی می‌شود. (قطبی فر، ۱۳۹۰، ص ۱۴۰)

### بخش دوم: شیوه تعیین میزان خسارت

حق جبران خسارت زیان دیده از همان روز ارتکاب فعل زیانبار یا در مورد زیان آینده، از روز احراز قطعیت آن به وجود می‌آید. اما هنوز میزان آن مشخص نشده است یعنی باید ارزش پولی طلب زیان دیده تعیین شود بر اساس این تحلیل، باید خسارت در واپسین زمان ممکن ارزیابی کرد (ژوردن، ۱۳۸۲، ص ۲۳۷) در نتیجه زمان و مکان دو عنصری هستند که می‌توانند در تعیین میزان خسارت نقش داشته باشند و میزان آن را تغییر دهند، در واقع در تمام موارد که حادثه ای زیانبار رخ می‌دهد این امکان وجود دارد که تا روز صدور حکم و اجرای آن، میزان خسارت تغییر کند. این تغییر بر اساس زمان و مکان به دو صورت انجام می‌شود:

۱- تغییر از جهت دگرگونی عوامل ایجاد کننده خسارت که از روز وقوع خسارت تا روز صدور حکم پدید می‌آید، مانند اینکه بیماری بهبود میابد یا مجروحی می‌میرد که این دگرگونی در عوامل درونی رخ می‌دهد.

۲- در واقع برابری ارزش خسارت با پول کم و زیاد می‌شود که این نوع تغییر را تغییر عوامل بیرونی می‌گویند (مهمان نوازان، ص ۲۱۲-۲۱۱)

بنابراین مساله ای که در مورد همه خسارتهای وجود دارد این است که قاضی چه زمانی باید خسارت را ارزیابی کند، ۱- تاریخ وقوع خسارت ۲- تاریخ صدور حکم ۳- تاریخ اجرای حکم؟ رویه قضایی به دلایل روشن عملی معتقد است که ارزیابی باید در روزی که قاضی رای صادر می‌کند انجام گیرد. (ژوردن، ۱۳۸۲، ص ۲۳۸). زیرا در صورتی که تا زمان صدور حکم جبران خسارت، عوامل درونی تغییر یابد، قاضی این حق را خواهد داشت که تشدید یا تخفیف حاصل از این تغییر را در حکم خود لحاظ و مبنای حکم دادگاه قرار دهد. و با توجه به اصل لزوم جبران همه خسارات و با توجه به اینکه زیان آینده قابل جبران است، قاضی می‌تواند دگرگونی‌های بعد از صدور حکم را چه مربوط به بالا رفتن و چه مربوط به پایین آمدن عناصر درونی خسارت باشد در شرایطی به حساب آورد به شرطی که این تحولات قابل پیش بینی و حتمی باشند (همان).

منتها اگر مبلغ خسارت به طور قطعی معین شده باشد دادگاه دیگر نمی‌تواند آن را به استناد افزایش قیمت‌ها یا تنزیل فروش پول تغییر دهد و حکم مزبور در حدود مفد خود از اعتبار امر مختوم بهرمنند است و تجدید نظر در آن امکان ندارد و زیان‌دیده پس از صدور حکم مانند سایر طلبکاران، تنها به میزان مفاد حکم از محکوم علیه طلبکار است.

### **بخش سوم: شیوه جبران انواع خسارت**

#### **بند اول: شیوه جبران خسارت مالی**

پس بهترین شیوه جبران در اینگونه خسارات آن است که خسارت به روش عینی جبران شود به عبارتی دیگر وضعیت زیان‌دیده به حالت سابق از ورود خسارت، اعاده شود یا حداقل در نزدیک ترین وضع به حالت قبل از ورود خسارت برگردد. چنانکه مثلاً با بازگرداندن عین مال مغضوب به مالک، خسارت ناشی از غضب جبران می‌شود و او در وضعیت قبل از غضب قرار می‌گیرد. اگرچه این روش بهترین روش است اما همیشه استفاده از این طریق ممکن

نیست، زیرا بعنوان مثال در موضوع بحث زیان های مالی فرد مبتلا شده به بیماری اعم از کارافتادگی، هزینه های معالجه وعدم النفع و... به راحتی قابل محاسبه ونبوغ حکم نیست و فعل زیانبار (انتقال بیماری)حالتی را می آفریند که برگرداندن آن به حالت سابق ممکن نیست. پس به ناچار باید از طریق جبران به معادل، خسارت زیاندید را جبران نمود.

چنانچه ضرر وارد بر مال وزیاندیده از انواع مثلی باشد، مسئولی که سبب ورود خسارت گردیده، از باب تسبیب باید مثل مال تلف شده را در اختیار زیاندیده قرار دهد و در غیر اینصورت باید قیمت مال تلف شده به وی پرداخت شود تا از این طریق از او جبران خسارت شود. لزوم پرداخت و قیمت در این طریقه جبران مربوط به زمانی است که مال تلف شده که به فرض مثال ما هزینه های درمان و... می باشد، قیمتی است ویا مال مثلی در بازار دارای نظیری نیست، زیرا در این مورد هر مالی که به زیاندیده داده شود جای مال تلف شده را عیناً یا مثلاً پر نمی نماید وناچار باید قیمت مال به او پرداخت شود (قطبی فر، ۱۳۹۰، ص ۱۴۱).

#### بند دوم: شیوه جبران خسارت معنوی

روش های جبران خسارت معنوی به دو گروه اصلی جبران های مالی و غیر مالی تقسیم می شوند. جبران مالی در اکثر قریب به اتفاق موارد، مبلغی پول است که این مبلغ گاه فقط جهت رضایت خاطر زیاندیده پرداخت می شود. اما در جبران های غیر مالی از روش های متعددی استفاده می شود، مثل حالتی که معلم از شاگرد خود سر کلاس عذر خواهی می کند و نظیر انتشار حکم محکومیت فاعل زیان، التزام به عذر خواهی در جراید، توقف کار زیانبار واز بین بردن منبع زیان(مدنی، ۱۳۷۶، ص ۳۸۱)از سوی دیگر باید بین روش جبران و ضرر وارده سنخیت عرفی برقرار باشد. در نتیجه روش جبران هر خسارتی با توجه به متعلق آن، متفاوت خواهد بود(قاسم زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۶۱).

اما مشکل اساسی در اینجا ارزیابی میزان خسارت معنوی است، یعنی عدم امکان تقویم این گونه خسارت به پول می باشد. در مورد خسارت معنوی، بحث در اصل ورود خسارت وحتی لزوم جبران نمی باشد زیرا اینگونه امور از بدیهات است که قابل نقض یا تردید نیست، اما اشکال در تناسب بین خسارت وجبران آن است. حقوق همچنانکه موظف به حمایت از خسارت دیده می باشد بدون دلیل منطقی نمی تواند مسئولیتی را بر عهده وارد کننده

خسارت قرار دهد. ماهیت خسارت معنوی تفاوتی آشکاری با امور مادی دارد، وطبیعت آن از تطابق آن با جبران های مادی پرهیز می کند(ره پیک، ۱۳۸۸، ص ۴۹).

در نتیجه عدم تناسب آسیب غیر مالی وجبران مالی آن باعث شده است که نویسندگان حقوقی در باره قابلیت جبران آن اختلاف نظر پیدا کنند. مخالفان اظهار داشتند که جبران این گونه خسارات غیر ممکن است زیرا با پرداخت مالی نمی توان رنج های مادی را پاک کرد. بعلاوه این شگفت آور است که به زیان دیده اجازه داده شود که رنج خود را «به پول» تبدیل کند. جبران این خسارت «تجاری کردن زیان معنوی» خوانده شده است. بعلاوه گفته اند که اثبات و ارزیابی این خسارت دشوار است.

با این حال موافقان جبران خسارت معنوی گفته اند که مسئولیت مدنی به دنبال آن نیست که خسارت زیان دیده را پاک کند زیرا این کار غیر ممکن است بلکه به دنبال آن است که خسارت زیان دیده را ترمیم کند، و چیزی که پرداخت می کند بهای درد ورنج و حیثیت از دست رفته او نخواهد بود لیکن این پرداخت می تواند در داری معنوی آسیب دیده توازنی برقرار نماید (ژوردن، ۱۳۹۱، ص ۱۹۰).

پس طبق ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی به عنوان یک قاعده کلی «دادگاه میزان زیان، طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد»

بنابراین روش مالی جبران خسارت عمومی ترین روش در جبران خسارت از طریق پرداخت معادل می باشد و چه بسا با عنایت با کثرت آرای قضایی بتوان ادعا نمود که اصل در جبران خسارت معنوی، جبران مالی آن می باشد. همانطور که در خصوص پرونده هموفیلی ها در تحولی چشم گیر دادگاه بررسی کننده علاوه بر جبران خسارات خواهان ها معادل ۱۰۰ درصد بیمه کامل، لزوم جبران خسارت معنوی را قطعی دانسته است. خسارت معنوی قابل پرداخت به خواهان های با مشکل آلودگی هیپاتیت C با هدف جلوگیری از صدور آرای متفاوت، بر شاخص های سن، تحصیلات، مجرد یا تاهل و دارای فرزند بودن یا نبودن مبتلایان استوار نموده است. دادگاه رای به جبران خسارت معنوی به صورت کسری از دیه به میزان ۲۰٪ دیه کامل تا یک دیه کامل برای مبتلایان به هیپاتیت و در مورد مبتلایان به ایدز یک دیه کامل اعلام می نماید. هم چنین دادگاه خواندگان را ملزم به درج آگهی متضمن اعاده حیثیت در جراید کثیرالانتشار نموده است.

اما مساله مهمی که در این خصوص وجود دارد، این است که چه کسی حق مطالبه این نوع خسارات را دارد؟ در این خصوص اصولاً دو مساله به ذهن متبادر می‌شود که در زیر به آنها پاسخ داده می‌شود

۱- آیا هر کسی به هر درجه ای از قرابت و خویشاوندی و دوستی که با زیان‌دیده اصلی دارد می‌تواند خواستار ترمیم لطمات روحی و معنوی ناشی از فعل زیان‌بار باشد یا خیر؟  
 ۲- آیا در صورت فوت زیان‌دیده خسارت وی غیر قابل جبران می‌گردد و دیگر نمی‌توان ضرر و زیان معنوی را مطالبه کرد؟ یا اینکه در صورت فوت هم مانند سایر حقوق متوفی از طریق ارث به وارث منقل و آنان جانشین وی در اقامه دعوا و تقاضای جبران خسارت معنوی می‌گردند؟

در خصوص مساله اول باید گفت از آنجا که جبران خسارت معنوی به منظور تسکین آلام روحی و تالمات نفسی شخص زیان‌دیده صورت می‌پذیرد قاعداً مطالبه آن قائم به شخص بوده و قابلیت انتقال ندارد ولی این قاعده دارای استثناء هم می‌باشد و افراد دیگری غیر از متضرر اصلی نیز می‌توانند تقاضای جبران خسارت وارده بر خود را بنمایند. البته دایره کسانی که می‌توان مطالبه جبران خسارت معنوی را بکنند در بعضی از قوانین صریحاً پیش بینی شده است، برای مثال ماده ۲۲۲ قانون مدنی مصر آن را منحصر به زوج و زوجه و خویشاوندان نسبی تا درجه دوم کرده است. در حقوق ما که قانون حکمی در این باره ندارد، رویه قضایی باید در همین جهت گام بر دارد و با سخت‌گیری در اثبات صدمه روحی و عاطفی حکم به جبران خسارت خویشاوندان و نزدیکانی از متوفی را بدهد که واقاً در اثر حادثه زیان‌بار متاثر و متضرر شده باشند و دعاوی مربوط به آن را محدود به این عده بنماید. پس باید گفت پدر و مادری که فرزند آنان در حادثه‌ای زمین‌گیر شده است، حق دارند تا زیان معنوی خود را از مسئول حادثه مطالبه کند. همچنین شوهری که همسرش در حادثه ای ناقص یا زشت شده است می‌تواند خسارت معنوی ناشی از تاتر خود را بخواهد (توکلی، ۱۳۷۶، ص ۶۱).

اما در خصوص اینکه آیا با فوت متضرر اصلی، حق مطالبه خسارت معنوی به ورثه منتقل می‌شود یا خیر بین علمای حقوق اختلاف نظر وجود دارد و ۳ نظر در این خصوص مطرح گردیده است که عبارت اند از:

**گروه اول:** این گروه معتقدند که هدف از مطالبه خسارت معنوی تسکین آلام روحی و تالعات نفسی شخص زیان‌دیده است پس انتقال این حق به ورثه غیر موجه می‌باشد. اما قبول این نظریه با تردیدهای جدی مواجه است زیرا در مسئولیت مدنی اصل بر جبران زیان است و فوت زیان‌دیده را نمی‌توان با فوت متهم که منجر به موقوفی تعقیب می‌شود قیاس کرد.

دکتر کاتوزیان در کتاب مسئولیت مدنی جز در موارد استثنایی متفاوت با این گروه است زیرا ورثه در اموال مالی قائم مقام شخص متوفی هستند نه در زیان معنوی، چون قائم به شخص می‌باشند و اظهار می‌دارند که با توجه به ماده ۲۰۹ آیین دادرسی مدنی سابق در مواردی که هدف از دعوا حفظ حیثیت و شهرت متوفی است باید جانشینی وراثت پذیرفته شود.

**گروه دوم:** شرط قائم مقامی وراثت را مطالبه و تقویم حق توسط شخص متوفی قبل از فوت می‌دانند تا حق معنوی در واقع تبدیل به حق مادی و به تبع آن قابل انتقال، تبدیل شود.

اما بر این نظریه هم انتقاداتی وارد گردیده است، از جمله اینکه تقویم و مطالبه گرچه در قانون آیین دادرسی مدنی مطرح است اما از اسباب ایجاد یا تبدیل حق معنوی به حق مادی نمی‌باشد، یا ممکن است زیان‌دیده کلاً دعوا را به منظور حکم به محکومیت خواننده در قالب پرداخت مبلغی صوری مانند واحد پول یک کشور را اقامه کند و یا دعوا ممکن است از نظر آیین دادرسی، غیر مالی باشد مانند الزام خواننده به ارائه مراتب اعتذار خود.

در نتیجه با توجه به طرق مختلف جبران خسارت معنوی، این نظریه هم قابل استناد نمی‌باشد اما دکتر کاتوزیان در کتاب شفعه، وصیت وراثت در باره ضرر ناشی از درد ورنج مادی و عاطفی از این نظر پیروی نموده است.

**گروه سوم:** که نظر برتر هم می‌باشد دعوای خسارت معنوی را همانند زیان‌های مادی قابل انتقال به ورثه شناخته‌اند و در توجیه آن گفته‌اند که وارثان شخص در واقع ادامه دهنده شخصیت متوفی می‌باشند و دکتر کاتوزیان در خصوص لطمه‌های مربوط به حیثیت و شهرت خانوادگی این نظر را پذیرفته است. (پیر هادی، ۱۳۸۳، صص ۲۲۹-۲۳۰).



### **بند سوم: شیوه های حمایتی جبران خسارت**

در اکثر کشورهای دنیا مسئولیت محض تولید کنندگان نسبت به حقوق مصرف کنندگان به صراحت بیان گردیده و پذیرفته شده است. این در حالی است که در قانون جدیدالتصویب ایران این نظام مسئولیت در حمایت از حقوق مصرف کننده صریح نیست در کشور ما علاوه بر قانون مسئولیت مدنی، قانون مدنی و قوانین کیفری قوانین دیگری در زمان های مختلف تصویب گردیده که به حمایت از حقوق مصرف کنندگان مربوط می شود از جمله قانون اصلاح قوانین ومقررات استاندارد وتحقیقات صنعتی ایران مصوب ۱۳۷۱، قانون تعزیرات حکومتی، امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی، قانون مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۳۴ واصلاحات بعد آن مصوب ۱۳۶۷ در قوانین مذکور الزاماتی مقرر گردیده است که تخلف از آنها برای فروشنده یا تولید کننده مسئولیت جزایی به بار آورد ومجازات هایی را برای متخلفان پیش بینی کرده است. (مصطفی منتقمی، ۱۳۹۰، ص ۵۶) بنابراین برای حمایت از حقوق مصرف کنندگان می توان از روش های حمایتی زیر استفاده نمود.

### **بند چهارم: نهاد های غیر دولتی**

از روش های خوب ومهم حمایت از حقوق مصرف کننده در اغلب کشورها تشکیل سازمان های غیر دولتی حمایت از حقوق مصرف کننده است. سازمانهای مذکور با مشارکت خود جوش افراد شکل می گیرند، و هدف همه آنها تلاش برای بهبود وضعیت حقوق مصرف کننده است این سازمان ها با ارائه مطالب مربوط به کیفیت محصولات به مصرف کنندگان نقد و بررسی کیفیت کالاها اقامه دعوا در محاکم قضایی به نمایندگی از مصرف کنندگان، تلاش جهت تصویب قوانین ومقررات، حل و فصل تعارضات طرفین و فعالیت های مشابه حتی در سطح بین المللی وهمکاری با نهاد های غیر دولتی سایر کشورها به حمایت از حقوق مصرف کنندگان می پردازند(همان، صص ۵۶-۵۵) در کشور ما با استناد به مفاد اصل ۲۶ قانون اساسی تاسیس سازمانهای غیر دولتی بلامانع بوده ومطابق ماده ۹ قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان مصوب ۱۳۸۸ سازمانهای حمایتی غیر دولتی می تواند ذیل قانون فعالیت نمایند (همان، ص ۶۶) آنچه که مشخص می باشد اطلاعات موثقی راجع به وجود (سایر) سازمانهای غیر دولتی حمایت از حقوق مصرف کننده در کشور وجود ندارد. اما در

سال ۱۳۸۱ انجمن مستقل، غیردولتی، غیر انتفاعی و غیر سیاسی به نام انجمن حمایت از حقوق مصرف کنندگان از سوی گروهی از ایرانیان تاسیس شد و به ثبت رسید اما راجع به اقدامات عملی این انجمن در زمینه حمایت از حقوق مصرف کنندگان اطلاعاتی در دست نیست. تنها مطالبی که از سوی انجمن حمایت از حقوق مصرف کنندگان در کشور ما انجام گرفته و در منابع داخلی انعکاس یافته است صدور اطلاعیه هایی از سوی این انجمن است. بنابراین در کشور ما در عرصه های مختلف حمایت از حقوق مصرف کنندگان عملاً جز صدور اطلاعیه های مزبور فعالیت دیگری انجام نمی شود و مصرف کنندگان ایرانی از خدمات و پوشش های حمایتی که از سوی سازمان های غیر دولتی که در کشورهای دیگر ارائه می شود محروم می باشند (همان، ص ۶۸). علاوه بر سازمانهای غیر دولتی وجود بیمه های مسئولیت نیز حائز اهمیت می باشند که هم در جهت حمایت از مصرف کنندگان و هم عرضه کنندگان کالا عمل می کند.

#### **بخش چهارم: بیمه مسئولیت**

بیمه مسئولیت کالا مسئولیت تمام افراد دخیل در زنجیره تولید تا عرضه که شامل ( تولید کننده، وارد کننده، عمده فروش، خرده فروش ) را در قبال مصرف کننده برای جبران خسارت های جانی و مالی ناشی از کالاهای معیوبی که به بازار عرضه می شود را پوشش می دهد. نقش مسئولیت مدنی و کارکرد های آن بستگی به نقش و ایفای وظیفه عوامل عدیده ای دارد که هر کدام سهم تاثیر گذاری در ایفای این نقش دارند از جمله این عوامل نقشی است که بیمه ایفا می کند این نهاد حقوقی چنان تاثیری در زمینه مسئولیت مدنی دارد که به جرات می توان گفت، حقوق مسئولیت مدنی بدون وجود بیمه در جامعه امروزی به هیچ عنوان قادر به انجام وظایف خود نمی باشد (خدابخشی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۳).

اکنون می توان ضرورت بیمه مسئولیت کالا را چنین استنباط کرد با توجه به اینکه این نوع بیمه اجباری نیست ولی چون مجموع قوانین برای حمایت از حقوق مصرف کنندگان و همچنین خریداران، افراد موثر در چرخه تولید و عرضه را در قبال حقوق مصرف کنندگان به صورت مطلق و قراردادی مسئول می شناسد در نتیجه کلیه تولید کنندگان را ملزم به تهیه بیمه مسئولیت کالا نموده است.

بیمه خون و فرآورده های خونی از آن جهت حائز اهمیت فراوانی است که منافع سازمان های بیمه گر با مصرف کنندگان خون و فرآورده های خونی به خصوص مصرف کنندگان دائمی در اشتراک است. صرفه اقتصادی برای بیمه گر در صورتی رخ می دهد که مواردی پیش نیاید که به تعداد زیادی از مصرف کنندگان گرامت بپردازد و همین امر سبب می شود که تدابیری اندیشیده شود که منافع مصرف کنندگان تا حد بسیار زیادی تامین شود، که همان آلوده نشدن به ویروس های خطرناکی است که ممکن است از طریق خون و فرآورده های خونی به آنها انتقال یابد. همچنین واگذاری امور بیمه محصولات خونی به بخش خصوصی هم به نفع دولت و هم به نفع مصرف کنندگان است بدون شک نظارت و حضور سازمانهای بیمه گر بخش خصوصی در روند جمع آوری خون و انتقال آن و تامین شرایط برای بیمه محصولات خونی مکمل وظیفه سازمان انتقال خون است و از سویی دیگر انجام وظیفه درست این سازمان برای سازمان بیمه گر بخش خصوصی منافع قابل توجهی را در بر خواهد داشت. در سال ۱۳۸۶ سازمان انتقال خون نسبت به بیمه گیرندگان خون در برابر عوارض متعاقب تزریق خون و فرآورده های آن به مدت ۱۰ سال پس از تزریق خون با عقد قرارداد با بیمه ایران اقدام کرد بوجه این امر در مجلس شورای اسلامی معادل ۲/۵ میلیارد تومان ارزیابی گردید (رسالت سازمان انتقال خون، ص ۲۲).

### بخش پنجم: صندوق های تضمین

شیوه دیگر برای جبران خسارت زیان دیده صندوق های تضمین خسارت می باشد منظور از این صندوق ایجاد سازمانی جدا و مستقل از شرکت یا بیمه ای است که دارای شخصیت حقوقی مستقل می باشند و زیان دیده با اثبات این که زیانی به او وارد شده است به آن صندوق مراجعه و بدون تشریفات، جبران خسارت می شود. این صندوق در حقوق فرانسه در سال ۱۹۶۶ در خصوص حوادث ناشی از زیان های رانندگی که عامل آن ناشناخته یا برشکسته بود و همچنین در قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۹۱ در مورد قربانیان مبتلا به ویوس ایدز که در نتیجه انتقال خون آلوده به آن مبتلا شده بودند، به وجود آمد. و همچنین در مورد قربانیان حوادث پزشکی در قانون ۴ مارس ۲۰۰۳ روش ایجاد صندوق های تامین پذیرفته شد (کاظمی، ۱۳۸۸، صص ۱۶۵-۱۶۴) اما در حقوق ایران وجود صندوق که حمایتی برای جبران زیان قربانیان این نوع آلودگی ها و به طور کلی قربانیان حوادث پزشکی وجود ندارد

ودخالت قانونگذار وتصویب مقررات خاص در این زمینه ضرورت دارد(همان،ص۲۲۴). همانطور که در رابطه با پرونده هموفیلی ها رئیس اسبق سازمان انتقال خون آقای حسن ابوالقاسمی در گفتگو با خبرگزاری فارس نسبت به تشکیل صندوق های حمایتی عنوان داشته اند که مسیردادگاه برای پرداخت حقوق بیماران طولانی و غیر منطقی است و به جای ان باید صندوق حمایت از این بیماران به سرعت تشکیل شود تا هرچه زودتر غرامت و حقوق بیماران از یک مسیر کارشناسی شده و فنی وبدون طی مسیر طولانی دادگاه پرداخت شود وهمچنین ایشان در ارتباط با اعتبار صندوق حمایت از قربانیان فرآورده های خونی اظهار داشته اند بستگی دارد اول باید یک اعتبار دولتی وخیریه ای ایجاد شود، برای این کار باید اقدامات کارشناسانه ودقیقی صورت گیرد.همچنین می توان از تجربه تشکیل صندوق تامین خسارتهای بدنی مصوب۱۳۴۸ در خصوص تصادفات رانندگی برای تشکیل صندوق جبران خسارت قربانیان فرآورده های خونی آلوده استفاده نمود.

### نتیجه گیری

مبنای مسئولیت مدنی در نزد حقوقدانان وقوانین کشورها مختلف، متفاوت می باشد. مسئولیت مدنی در سیستم حقوقی ایران مبتنی بر تقصیر می باشد ودر مواردی از جمله مواد ۳۲۸ در زمینه اتلاف و۳۰۸ در رابطه با غصب و..... نظریه بدون تقصیر پذیرفته شده وقانون گذار در مواردی با توجه به مسائل اجتماعی با اجرای انصاف وعدالت از نظریه خطر یا بدون تقصیر پیروی نموده است.اما هیچ یک از این نظریات نمی تواند به طور کامل مبنای مسئولیت را در موضوع بحث تبیین نماید لذا نباید با جمود در پذیرش یک نظریه به توجیه مسائل مربوط به موضوع پرداخت ویا حتی در پاره ای از موارد جبران خسارت را ممتنع دانست. برای تسهیل در اثبات رابطه سببیت، بین انتقال خون به زیان دیده و ابتلای وی به بیماری (به عبارتی اثبات آلوده بودن خون به ویروس بیماری زا)، می توان با استفاده از روش نفی سایر اسباب (برهان سبر وتقسیم)با وجود ۲ شرط وجود رابطه سببیت را محرز دانست؛ آن دو شرط این است که اولاً، ابتلای به بیماری (مثلا ایدز) بعد از انتقال وتزریق خون به وی آشکار شده باشد؛ثانیا، هیچ عامل دیگری که بتوان آن را سبب بیماری دانست، ثابت نشود(البته این حکم در فرضی است که از لحاظ علمی امکان انتقال بیماری از طریق تزریق خون وجود داشته باشد)

مسئولیت مدنی راجع به خون و فرآورده های خونی آلوده در مواردی که نظام کشور دولت محور باشد یعنی بیشتر کارهای مردم در دست دولت باشد از اهمیت خاصی برخوردار است. به این دلیل که طرف شخص زیان دیده، دولت است. که دارای قدرت و حاکمیت نسبت به زیان دیده می باشد و در وضعیت موجود سازمان انتقال خون ایران به عنوان تنها نهادی که حق تولید و انتقال خون و فرآورده های خونی را دارا می باشد مسئول جبران خسارتی است که از ناحیه این فرآورده های آلوده به بیماران وارد شده است. بدین معنی که مرکز انتقال خون، متعهد است خونی را عرضه و توزیع نماید که از هر نوع آلودگی عاری باشد و این تعهد از نوع تعهد به نتیجه است. بر این اساس رویه قضایی می تواند بر مبنای تعهد ایمنی، مراکز انتقال خون را مسئول هر نوع زیانی بداند که در اثر انتقال خون به افراد وارد می شود. چون این سازمان تنها نهاد دولتی است و می توان گفت دولت مسئول جبران خسارت وارده می باشد. با توجه به اینکه در خصوص اثبات رابطه سببیت بین انتقال خون به زیان دیده و ابتلای وی به بیماری (به عبارتی اثبات آلوده بودن خون به ویروس های ایدز و....) در حقوق ایران نص قانونی وجود ندارد پیشنهاد می شود در جهت کمک به زیان دیده قانونگذار اقدام نموده و مقرراتی در این زمینه وضع نماید و یا دست کم یک نوع اماره قانونی وجود رابطه سببیت ایجاد نماید.

## منابع و مأخذ

- ۱- امینی فر، رحمت اله. مقاله مسئولیت مدنی. مجموعه حقوقی سال چهارم. شماره ۱۳.
- ۲- امامی، حسن. (۱۳۹۲). حقوق مدنی. جلد ۳. تهران.
- ۳- آزاده نمینی، مهران. (۱۳۸۸). بانک خون. انتشارات: دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج).
- ۴- باریکلو، علی رضا. (۱۳۸۲). جبران خسارات بدنی در فقه اسلامی. مطالعات اسلامی. شماره ۶۱. ص ۱۳-۴۰.
- ۵- پاتریس، ژوردن (۱۳۸۵). اصول مسئولیت مدنی همراه با آراء دیوانعالی کشور فرانسه. ترجمه و تحقیق مجید ادیب. نشر میزان.
- ۶- پیر هادی، محمد رضا (۱۳۸۳). قایم مقامی در مطالبه خسارات معنوی بعد از فوت زیاندریده. مجله کانون وکلا. شماره ۱۸۴ و ۱۸۵.
- ۷- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۶۷). ترمینولوژی حقوق. نشر گنج دانش. چاپ دوم.
- ۸- جعفری تبار، حسن. (۱۳۷۵). مسئولیت مدنی سازندگان و فروشنندگان کالا. تهران. نشر دادگستر.
- ۹- حاجی نوری، غلامرضا. (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی رهیافت های سببیت در مسئولیت مدنی. نشریه علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی. سال اول. شماره اول. صفحات ۶۱-۸۹.
- ۱۰- حسینی نژاد، حسینعلی. (۱۳۷۰). مسئولیت مدنی. تهران. نشر جهاد دانشگاهی شهید بهشتی.
- ۱۱- خدا بخشی، عبدالله. (۱۳۹۱). مقاله توزیع خسارت در مسئولیت مدنی در فرض تعدد اسباب. فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره ۴۲، شماره ۱. صفحه ۱۲۶-۱۰۹.
- ۱۲- خشنودی، رضا. (۱۳۹۳). مقاله بهرگیری از رهیافت های نظام حقوقی فرانسه به منظور تسهیل اثبات مسئولیت پزشکی. فصلنامه حقوق پزشکی. سال هشتم، شماره ۳۱.

- ۱۳- خادم سربخش، مهدی، سلطانی نژاد، هدایت اله. (۱۳۹۲). مقاله اصل قابلیت جبران کلیه خسارات. مبانی فقهی و حقوق اسلام. سال ۶. شماره ۱۲. صفحات ۲۱-۴۸.
- ۱۴- خدادادی، ابوالقاسم. (۱۳۸۱) مقاله بررسی و نقد نظریه سبب مقدم در اجتماع اسباب. مجله حقوق دادگستری. شماره ۴۰.
- ۱۵- داراب پور، مهتاب. (۱۳۸۷). مسئولیت های خارج از قرارداد. تهران. نشر مجد.
- ۱۶- دالوند، فضل الله. (۱۳۸۶). تقسیم مسئولیت مدنی. چاپ اول. نشر اصفهان: دادیار.
- ۱۷- دهخدا، علی اکبر. لغت نامه. جلد ۲۲.
- ۱۸- رضایی حقیقت، خدیجه. (۱۳۸۹). مقاله نقش سازمانهای غیر دولتی در حمایت از حقوق مصرف کننده. ماهنامه اتاق ایران. شماره ۴۲. صفحات ۱۸-۲۹.
- ۱۹- روزبهبانی، شجاع. (۱۳۹۱). رساله بررسی خسارت معنوی در مسئولیت مدنی با توجه به پرونده موسوم به هموفیلی ها. دانشگاه خوارزمی.
- ۲۰- ره پیک، حسن. (۱۳۸۸). حقوق مسئولیت مدنی و جبرانها. خرسندی. تهران. چاپ سوم.
- ۲۱- شجاع پوریان، سیاوش. (۱۳۸۹). مسئولیت قراردادی پزشک در برابر بیمار. تهران. نشر فردوسی.
- ۲۲- صالحی، حمید رضا. (۱۳۹۰) مسئولیت مدنی ناشی از فرآیند درمان. انتشارات سینا، چاپ اول.
- ۲۳- صالحی راد، محمد. (۱۳۷۸). مقاله سبب و وجوه آن. مجله حقوق دادگستری. شماره ۲۸-۲۹.
- ۲۴- صرفی، مجید. (۱۳۸۵) رساله عرضه کنندگان کالا و خدمات و بررسی مسئولیت آنها بر اساس لایحه حمایت از حقوق مصرف کنندگان. تهران. دانشگاه حقوق و علوم سیاسی.
- ۲۵- عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۸۲). موجبات ضمان. چاپ اول. تهران. نشر میزان.
- ۲۶- عباسی، محمود، محمدی، سمیرا. (۱۳۸۸). مقاله مطالعه تطبیقی مسئولیت ناشی از خون های آلوده در نظام حقوقی ایران و فرانسه. فصلنامه علمی - پژوهشی حقوق پزشکی. دوره ۳. شماره ۸. صفحه ۶۱-۹۲.
- ۲۷- غمامی، مجید. (۱۳۷۶). مسئولیت مدنی دولت. تهران. نشر دادگستر.

- ۲۸- قاسم زاده، سید مرتضی. (۱۳۸۷). الزامها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد. تهران. نشر میزان.
- ۲۹- قطبی فر، محمود. (۱۳۹۰). مسئولیت مدنی ناشی از انتقال بیماری های خونی و مقاربتی (رساله دکترا). دانشگاه خوارزمی، تهران.
- ۳۰- قربانعلی زادگان، مهدی. (۱۳۸۸). هماتولوژی خون. تهران. چاپ اول. دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج).
- ۳۱- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۰). اثبات و دلایل اثبات. جلد ۱. تهران. نشر میزان.
- ۳۲- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۷). مسئولیت مدنی. جلد ۱. تهران. نشر دانشگاه تهران.
- ۳۳- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۱). مسئولیت ناشی از عیب تولید. تهران. نشر دانشگاه تهران. چاپ اول.
- ۳۴- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۴). الزامهای خرج از قرارداد. ضمان قهری. دانشگاه تهران. جلد ۱ و ۲.
- ۳۵- کاظمی، محمود. (۱۳۸۶). مسئولیت مدنی ناشی از انتقال خون آلوده. فصلنامه حقوق. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. شماره ۳. صفحات ۲۴-۲۰۷.
- ۳۶- کاظمی، محمود. (۱۳۸۴). آثار تقصیر زیان‌دیده در مسئولیت مدنی. فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع). شماره ۲۸. صفحات ۱۰۹-۱۴۲.
- ۳۷- کاظمی، محمود. (۱۳۹۰). ضرورت تغییر نظام مسئولیت مدنی پزشکی در حقوق ایران با نگاهی باتحولات ایجاد شده در حقوق فرانسه. فصلنامه مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره ۴۱. شماره ۲. صفحات ۱۵۱-۱۶۸.
- ۳۸- کریمی، نسرین. (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی بدون تقصیر ناشی از انتقال خون آلوده. فصلنامه حقوق پزشکی. شماره ۱۴.